

تحلیل سبک‌شناسی عبارتهای فعلی کلیده و دمنه با رویکرد کاربردگرا

دکتر اشرف شیبانی اقدم^۱، زهرا بیگم محسنی پور کلهرودی^۲

چکیده

کاربردشناسی شاخه‌ای نسبتاً جدید در علم زبان‌شناسی است که قدمت آن تقریباً به نیم قرن اخیر می‌رسد و موضوع آن مطالعه معنا و نحوه انتقال پیام از گوینده یا نویسنده به مخاطب (شنونده یا خواننده) بر اساس بافت و موقعیت گفتاری است. به عبارت دیگر در کاربردشناسی آنچه مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد تنها صورتهای زبانی و نحوی ایجادشده در زنجیره گفتاری و متن نوشتاری نیست، بلکه قسمت اعظم پیامی که گوینده یا نویسنده به مخاطب (شنونده یا خواننده) منتقل می‌کند متأثر از بافت و موقعیت ایجاد گفتار است. پیش‌انگاری‌ها، استلزام و کنش‌های گفتاری از جمله مفاهیم مطرح در کاربردشناسی زبان است که در این مقاله کارکرد آنها در عبارات فعلی کلیده و دمنه و نقش آنها در ایجاد سبک فنی بررسی شده است. نتایج حاصل از تحقیق مؤید فرضیه‌های تحقیق مبنی بر این‌که عبارات فعلی در کلیده و دمنه نمود لفظی یک به یک ندارند بلکه دارای معانی ضمنی و تلویحی هستند، بوده و همچنین روند دشوار شدن متن و گرایش نویسنده را به سبک فنی نشان می‌دهد.

کلیدواژه‌ها: نثر فنی، کلیده و دمنه، عبارت فعلی، سبک‌شناسی کاربردگرا.

۱. استادیار زبان و ادبیات فارسی، واحد تهران مرکز، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول).
a.sheibaniagdam@iauctb.ac.ir

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی، واحد تهران مرکز، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
mohsenipoor.zahra@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۹۴/۱۰/۱۶

تاریخ وصول: ۹۴/۰۶/۳۰

مقدمه

بخش مهمی از فرهنگ و تمدن هر قومی را ادبیات و آثار ادبی آن تشکیل می‌دهد. مطالعه و بازنگری این آثار، ضمن پاس‌داشت این موارث گران‌بها، فرصتی مغتنم برای شناخت دوره‌های تمدن و فرهنگ یک جامعه را نیز فراهم می‌آورد. هم‌چنین بررسی و تحلیل متون ادبی، بر اساس قواعد زبان‌شناسی جدید و کاربردشناسی زبان، به ما این امکان را می‌دهد تا با شناسایی عوامل مؤثر کلامی در این‌گونه آثار که منجر به تبدیل شدن آن‌ها به یک اثر ادبی و هنری ماندگار شده است، چگونگی انتقال معنا و اقتناع مخاطب را نیز به شیوه ادبی بدیع و مؤثر ارزیابی کنیم. سبک‌شناسی و تحلیل متون ادبی بر اساس آن، یکی از راه‌هایی است که می‌تواند محققین و نویسندگان را در دستیابی به هدف فوق‌یاری کند، از این‌رو در این مقاله سعی شده است کلیله و دمنه ترجمه نصرالله منشی به‌عنوان یکی از آثار فاخر ادب و فرهنگ فارسی در قرن ششم هجری که به دلیل شیوه نگارش و استفاده نویسنده‌اش از مؤلفه‌های مطرح در سبک فنی، به‌عنوان آغازگر این سبک در ادبیات فارسی مطرح شده است، از منظر سبک‌شناسی کاربردگرا، مورد بررسی قرار گیرد. در این بررسی انواع عبارت‌های فعلی به‌کاررفته در کلیله و دمنه به‌عنوان ارکان جمله و شاخص‌های سبک‌ساز که در ایجاد نثر فنی نقش داشته، تحلیل و بررسی شده‌اند.

الف) مفاهیم بنیادی

فعل اصلی‌ترین رکن در ساختار جمله به‌شمار می‌رود که بر اساس آن انواع جمله‌ها تعیین و نام‌گذاری می‌شوند و در محور هم‌نشینی عمده‌ترین نقش را برعهده دارد و بر اساس آن اجزای جمله و رابطه آن‌ها مشخص می‌شود. فعل را بر اساس ساختمانش به انواع ساده، مرکب، پیش‌وندی و عبارات فعلی تقسیم‌بندی کرده‌اند. عبارت فعلی گونه‌ای از اقسام فعل بر مبنای ساخت آن است که صاحب‌نظران و دستورنویسان زبان فارسی در خصوص ارائه تعریف دقیق و یک‌پارچه از آن اتفاق نظر ندارند. خانلری اصطلاح عبارت فعلی را به دسته‌ای از کلمات اطلاق می‌کند که از مجموع آن‌ها معنی واحدی حاصل می‌شود و غالباً معادل با مفهوم یک فعل ساده یا یک فعل مرکب است. این تعریف شامل عبارت‌هایی است که علاوه بر این نکته دارای این شرایط باشند: بیش از دو کلمه باشند؛ یکی از مجموع کلمات عبارت حرف اضافه باشد؛ مجموع عبارت معنی مجازی داشته باشد، یعنی مفهوم صریح هیچ یک از اجزا مراد نباشد یا به ذهن شنونده نیاید. برای مثال در عبارت فعلی از پای در آمدن = افتادن، در این‌جا چهار جزء هست (از + پا + در + افتادن) که یکی از آن‌ها حرف اضافه است (از) و در مجموع آن‌ها نه معنی "پای" منظور

است نه معنی "آمدن" یا "درآمدن" و مجموع این چهار کلمه یک معنای مجازی دارد که معادل افتادن است (خانلری، ۱۳۷۲: ۷۰).

ارژنگ در کتاب خود فعل را از نظر ساختمان به چهار گروه ساده، پیش‌وندی، مرکب، (سوگند خوردن، درد کشیدن) و فعل گروهی (از دست رفتن، به زانو درآمدن) تقسیم کرده است. او در تعریف فعل گروهی می‌گوید: گاهی گروهی از کلمات در کنار هم، هم‌راه فعل می‌آیند و مفهوم واحدی را می‌رسانند که فعل گروهی نامیده می‌شوند. بیشتر فعل‌های گروهی لازم با استفاده از هم‌کرد قرینه خود می‌توانند به صورت متعدی درآیند (ارژنگ، ۱۳۷۴: ۱۱۰). تعریف ارائه‌شده از فعل گروهی منطبق بر تعریف عبارت فعلی است. انوری و گیوی در کتاب دستور زبان فارسی ۲ (انوری و گیوی، ۱۳۸۵: ۲۹) پس از تقسیم‌بندی فعل به شش گروه فعل‌های ساده، پیش‌وندی، مرکب، پیش‌وندی مرکب، عبارات‌های فعلی و فعل‌های ناگذر یک شخصه، تعریفی منطبق با تعریف خانلری از عبارات‌های فعلی ارائه داده‌اند. ابوالقاسمی عبارت فعلی را واحدی می‌داند که دست کم از سه جزء تشکیل شده و یکی از آن‌ها حرف اضافه است و معنای کنایی دارد. برای نمونه "از پا در آمدن"، "از پا در آوردن" (ابوالقاسمی، ۱۳۸۵: ۲۲۴). ابوالقاسمی در جایی دیگر به ذکر شاهدمثالی از فارسی میانه زردشتی می‌پردازد: Pad dast dastank: به دست داشتن، تسلط داشتن (همان: ۱۸۴). خیام‌پور، بدون اشاره به نوع تقسیم‌بندی، در مبحث فعل مرکب چنین می‌آورد: فعل مرکب فعلی است متشکل از فعل بسیط با یک پیشاوند یا از یک اسم با فعلی در حکم پساوند و به عبارت دیگر فعلی است متشکل از دو لفظ دارای یک مفهوم. مثال برای قسم اول: در رفت، باز رفت، برگشت. مثال برای قسم دوم: طلب کرد، جنگ کرد (خیام‌پور، ۱۳۷۵: ۶۹). در واقع خیام‌پور بدون اشاره به معیار تقسیم‌بندی فقط به ساده و مرکب بودن فعل معتقد است و کمترین اشاره و بحثی درباره عبارت فعلی نمی‌کند. فرشیدورد از دستورنویسانی است که در ارائه نظریات خود از دستور قدیم پیروی کرده و هر جا لازم باشد از مبانی زبان‌شناسی جهت تبیین کلام استفاده کرده است. ایشان در همه جا از گروه به جای عبارت استفاده می‌کند و هیچ مرز مشخصی بین افعال مرکب و گروه فعلی قائل نمی‌شود. فرشیدورد به جای اصطلاح عبارت فعلی، مانند زبان‌شناسان، از واژه گروه (معادل locution فرانسوی و phrase انگلیسی) استفاده می‌کند و درباره اقسام کلمه می‌نویسد: «ما کلمه و گروه‌های مربوط به آن را بر روی هم بر شش قسمت تقسیم کردیم: اسم و گروه اسمی، صفت و گروه وصفی، فعل و گروه فعلی، قید و گروه قیدی، صوت و گروه صوتی و حرف» (فرشیدورد، ۱۳۸۴: ۱۸۱) باطنی (باطنی، ۱۳۶۴: ۱۱۰) گروه را به جای عبارت به کار برده.

طیب‌زاده با تکیه بر نظر خانلری به تقسیم ساختمان فعل پرداخته و فعل را به افعال بسیط یا ساده، پیش‌وندی، مرکب، پی‌بستی (ناگذار) و عبارتهای فعلی تقسیم کرده است. «او افعال مرکب و عبارتهای فعلی را از واحدهای واژگانی زبان فارسی برمی‌شمارد، ولی بین آن دو تفاوت قایل می‌شود. وی عبارتهای فعلی را بر حسب کاربرد ضمیر به دو دسته "عبارت فعلی ضمیردار" و "عبارت فعلی بدون ضمیر" تقسیم کرده است» (وفایی و کاردل ایلواری، ۱۳۱۹: ۵۹). وحیدیان کامیار فعل را از لحاظ ساختمان به سه دسته ساده و پیش‌وندی و مرکب تقسیم می‌کند و در تعریف فعل مرکب می‌نویسد: «اگر پیش از فعل ساده یا پیش‌وندی یک یا چند تکواژ مستقل بیاید و با آن ترکیب شود، کلمه حاصل فعل مرکب است. برای نمونه "حاصل کرد"، "دریافت کرد". برخی از فعل‌های مرکب نیز در حقیقت عبارتهای کنایی هستند که امروزه دیگر از نظر ادبی جزء کنایه‌های غیرزایا (مرده) محسوب می‌شوند» (وحیدیان کامیار و عمرانی، ۱۳۱۹: ۵۷) در واقع نمونه‌های ارائه‌شده در تعریف ایشان از فعل مرکب غیرزایا یا مرده (به حرف آمدن، در برگرفتن) با مصداق‌های عبارت فعلی مطابقت دارد.

با توجه به نظرات ارائه‌شده از دست‌نویسانی که به نقل از آن‌ها مطالبی در خصوص تقسیم‌بندی اقسام فعل و تعریف عبارت فعلی ارائه شد، نتیجه می‌گیریم که بجز دستور خیام‌پور که در تقسیم‌بندی فعل فقط به دو قسم ساده و مرکب معتقد است و نامی از عبارت فعلی نبرده، بقیه دست‌نویسان عبارت فعلی را یا به صورت گونه‌ای از فعل مرکب یا به عنوان گونه مستقلی از فعل می‌پذیرند. در یک جمع‌بندی از آرای این صاحب‌نظران، می‌توان عبارت فعلی را این‌گونه تعریف کرد:

«عبارت فعلی یک واحد است که از ترکیب چند جزء تشکیل شده و معنای واحد یک فعل را می‌رساند و اغلب معادل یک فعل ساده، مرکب یا حتی یک عبارت فعلی دیگر نیز می‌تواند باشد» (مهراوران، ۱۳۱۸: ۳۳).

ب) انواع عبارتهای فعلی

«عبارتهای فعلی را از نظر ساخت می‌توان به دو نوع عبارتهای فعلی با سه جزء (حرف اضافه + اسم + فعل: ساده، پیش‌وند، مرکب) و عبارتهای فعلی با بیش از سه جزء (حرف اضافه + گروه اسمی + فعل: ساده، پیش‌وند، مرکب یا اسم + گروه اسمی + فعل: ساده، پیش‌وند، مرکب) تقسیم کرد. از نظر کاربرد و معنا نیز می‌توان عبارت فعلی را در این دسته‌ها قرار داد:

۱. عبارتهای فعلی قدیمی یا کهن کاربرد؛ مثل از جای برآمدن / شدن، به حاصل آوردن.

۲. عبارات فعلی که از قدیم بوده و اکنون نیز متداول است؛ مثل به دست آوردن، به سر آمدن.
 ۳. عبارات فعلی که در دوره معاصر ساخته شده‌اند؛ مثل به تصویب رساندن، به تصویر کشیدن.
 ۴. عبارات فعلی که بیشتر در زبان محاوره و عوام کاربرد دارد؛ مثل از کت و کول افتادن.
 ۵. عبارات فعلی که بیشتر جنبه ادبی دارد و در زبان ادبی و معیار بیشتر کاربرد دارد؛ مثل به ستوه آمدن، به خروش آمدن» (همان: ۱۳۷-۱۳۱).
- در کلیله و دمنه علاوه بر عبارات فعلی کهن کاربرد عباراتی مثل به حاصل آمدن: «از سر شهوت برخیزد تا پاکیزگی ذات به حاصل آید» (نصرالله منشی، ۱۳۱۰: ۵۲) و عباراتی که از قدیم تا کنون متداول است مثل به دست آمدن/آوردن: «به تدریج این نعمت که می‌بینی بدست آمد» (همان: ۴۹). عبارات فعلی کنایی و ضرب‌المثلی نیز کاربرد زیادی دارند: «هر که را پای در سنگ آید انتعاش او جز به نتایج عقل در امکان نیاید» (همان: ۴۱۱) «چون خر این فصل بشنود خام طمعی او را برانگیخت تا نان روپاه پخته شد» (همان: ۲۵۵) با توجه به این‌که نثر کلیله و دمنه مربوط به قرن ششم هجری قمری است طبیعی است که عبارات فعلی محاوره‌ای و عباراتی که متعلق به دوره معاصر است در آن کاربرد نداشته باشد.

سبک‌شناسی کاربردی (Pragmatic Stylistics) بر مفهوم بافت متکی است. منظور از بافت زمینه مشترک بین گوینده و مخاطب است، که معنا و سخن به‌طور دو جانبه توسط شرکت‌کنندگان گفتمان در آن خلق می‌شود و این زمینه در ایجاد معنای اضافی که در متن وجود ندارد تأثیرگذار است.

«دیدگاه کاربردشناختی زبان بر سرشت فزون شونده سخن یا ماهیت افزایشی معنا در گفتمان تأکید دارد؛ یعنی اطلاعات مربوط به جهان پیرامون متن روشن می‌کند که قبلاً چه رخ داده؟ و همین اطلاعات افزوده ممکن است درک ما را از آنچه در هنگام آفریدن سخن رخ داده تغییر دهد» (فتوحی، ۱۳۹۰: ۱۵۷).

در این پژوهش، تحلیل سبک‌شناسی "عبارات‌های فعلی" به‌عنوان یکی از ارکان جمله در کلیله و دمنه از منظر کاربردشناسی، براساس انواع کنش‌های گفتاری و پیش‌انگاشت‌های به کار رفته در آن با روش تحلیلی - توصیفی، بررسی می‌شود. بدین‌منظور ابتدا کل عبارات‌های فعلی (اعم از حرف اضافه‌ای و اصطلاحی) از کتاب کلیله و دمنه استخراج شده و سپس بر اساس نوع کنش گفتاری هر عبارت که مبتنی بر بافت و موقعیت گفتاری آن‌ها

بوده، به تحلیل معنایی آن‌ها پرداخته و با بررسی منظور نویسنده از به‌کارگیری هر عبارت در موقعیت‌های گفتاری، سبک نویسنده نیز مورد نقد و بررسی قرار گرفته است. با توجه به ویژگی‌های خاص عبارات فعلی، نظیر دارا بودن معانی مجازی ضمنی و کنایی و همچنین آغازگر سبک فنی بودن کلیله و دمنه، نتایج این پژوهش می‌تواند اطلاعات سودمند و جذابی از ویژگی‌های سبکی این اثر و همچنین اندیشه و نوع تفکر نویسنده آن ارائه دهد.

پ) سؤال و فرضیات تحقیق

این مقاله در پی پاسخ‌گویی به این سؤال اصلی است که انواع کنش‌ها و پیش‌فرض‌های نویسنده در استفاده از عبارات فعلی چه بوده است و نقش و تأثیر این ویژگی‌های زبانی بر محتوای عبارت‌های فعلی و ایجاد سبک فنی چیست؟ فرضیه‌ای که در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفته این است که در عبارات فعلی کلیله و دمنه معانی ضمنی بیشتر از معانی صریح هستند.

پیش‌انگاری‌ها، استلزام، کنش‌های گفتاری و انواع آن‌ها مبانی نظری این بررسی را تشکیل می‌دهند که در بخش بعدی ابتدا بر اساس ارائه تعاریف صاحب‌نظران، این مباحث را تبیین نموده، سپس بر اساس این مبانی با ارائه نمونه‌هایی از عبارت‌های فعلی در کلیله و دمنه به تحلیل آن‌ها می‌پردازیم.

ت) پیشینه تحقیق

کلیله و دمنه به‌عنوان یکی از آثار فاخر ادبیات کلاسیک زبان فارسی همواره مطمح نظر اندیش‌مندان و پژوهش‌گران زبان و ادب فارسی قرار گرفته و تا کنون موضوع مطالعات و پژوهش‌های متعددی بوده است که در آن‌ها محققان و نویسندگان به فراخور موضوع مورد نظرشان ابعاد گوناگون زبانی و ادبی و هنری و تعالیم و مفاهیم نغز و ناب آن را مورد بحث و بررسی قرار داده‌اند. در زمینه تحلیل ساخت‌های دستوری، انواع جمله و ارکان آن و همچنین موضوعات مطرح در حوزه زبان‌شناسی و پراگماتیک، نیز تحقیقاتی به صورت مجزا انجام شده که به نمونه‌هایی از آن در زیر اشاره می‌شود.

مقاله دکتر پارسا یعقوبی و فاتح احمدپناه با عنوان "ساختار روایی کلیله و دمنه بر اساس گفتمان‌کاوی" که به بررسی تعامل رای و برهمن از منظر گفتمان‌کاوی به نام‌های حق نوبت‌گیری و اصل پرسش‌گری می‌پردازد. پایان‌نامه دکتری تخصصی آقای حسین محمدی (دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۹۱) با موضوع "تحلیل مقایسه‌ای عوامل انسجام متن

در گونه‌های نثر مرسل و فنی در متون کهن"، که به بررسی عوامل انسجام متن (ارجاع، حذف و جایگزینی)، عوامل ربطی و انسجام واژگان و نحوه توزیع این عوامل در متون کهن فارسی (قابوس‌نامه، سیاست‌نامه، کلیله و دمنه و مرزبان‌نامه) بر اساس نظریه نقش‌گرای هالیدی پرداخته. خانم مهدیه سلیم‌زاده (دانشگاه آزاد مرکز تهران، ۱۳۹۰) نیز در پایان‌نامه خود با موضوع "کنش کلامی و دگرذیسی در ساختار روایت (کلیله و دمنه و انوار سهیلی)" در مبحث مربوط به کنش‌های کلامی انواع کنش‌ها را در حکایات کلیله و دمنه و انوار سهیلی مورد بررسی قرار داده است. "تحلیل دستوری کلیله و دمنه" موضوع پایان‌نامه خانم مژگان طرقي دانشجوی دانشگاه شهید بهشتی (۱۳۸۴) است که به بررسی گروه‌ها به عنوان سازه‌های تشکیل‌دهنده جمله ساده، اصوات، شبه جمله‌ها، جمله‌های ساده و جملات مرکب، چارچوب و قوانین حاکم بر زبان متن و اثبات پیچیدگی نحوی آن‌ها در کلیله و دمنه می‌پردازد.

هر چند موضوعات مشابه موارد فوق (مطالعه انواع ساخت‌های دستوری یا مطالعه کلیله و دمنه بر اساس نظریه‌های زبان‌شناسانه به صورت مجزا) در بسیاری از پژوهش‌ها با موضوع کلیله و دمنه یافت می‌شود. اما با وجود این گستردگی مطالب، پژوهش مستقلی در زمینه بررسی عبارات‌های فعلی و یا سایر ساخت‌های دستوری با رویکرد سبک‌شناسی کاربردگرا در کلیله و دمنه مشاهده نشد.

ث) بحث و بررسی

ث. ۱) پیش‌انگاری‌ها و انواع آن‌ها

پیش‌انگاری‌ها (Presupposition) در واقع پیش‌فرض‌هایی هستند که گوینده پیش از ادای پاره‌گفت واقعیت آن‌ها را مفروض می‌داند. بنابراین این پیش‌فرض‌ها در پاره‌گفت اظهار نمی‌شوند، اما منتقل می‌شوند. می‌توان گفت پیش‌انگاری‌ها مطالب شناخته‌شده بر اساس بافت مشترک بین گوینده و مخاطب است که نیازی برای ذکر آن‌ها در متن و گفتار نیست. «منظور از مفهوم پیش‌انگاری، از جمله دست یازیدن به درک و توضیح نقش دانش‌های خارج از زبان در ترکیب انسجام متون است. به عبارتی دیگر، پیش‌انگاری، یکی از مؤلفه‌های کاربردشناسی است که تابع دانش عالم خارج از زبان و موقعیت‌های کلام است. پیش‌انگاری در معنای تحت‌اللفظی به معنای پیش‌شرط است و هنگامی که می‌بینیم در کاربرد زبان برای چه مفهومی پیش‌شرط قایل می‌شویم یا پیش‌شرط را مبنا قرار می‌دهیم یا شخص دیگری را مجاب می‌کنیم تا پیش‌شرط‌های معینی را در نظر بگیرد،

آن‌گاه نمونه‌هایی مانند مثال ذیل در ذهنمان نقش می‌بندد: «هنگامی که کسی را مورد خطاب قرار می‌دهیم، پیشاپیش فرض می‌کنیم که طرف مقابل زبان ما را می‌فهمد» (البرزی، ۱۳۸۶: ۲۷). «پیش‌انگاری یکی از انواع روابط معنایی در سطح جملات زبان است. این امکان وجود دارد که بر حسب اطلاعات موجود درون یک جمله بتوان به اطلاعات دیگری دست یافت. در چنین شرایطی، یک جمله می‌تواند پیش‌زمینه اطلاعاتی باشد که در جمله‌ای دیگر آمده است» (صنوی، ۱۳۸۰: ۱۲۲).

ث. ۲) انواع پیش‌انگاری‌ها (پیش‌انگاشت‌ها)

در مطالعات زبان‌شناسی، پیش‌انگاری‌ها به چند دسته تقسیم‌بندی شده‌اند که بر اساس نوع برداشت و کاربرد آن‌ها در متن و موقعیت‌های کلامی صورت گرفته است و در یک نگاه کلی می‌توان آن‌ها را به دو نوع اصلی: کاربردشناسی و بافتی تقسیم کرد. «پیش‌انگاری‌های کاربردشناسی شامل آن دسته از پیش‌شرط‌هایی هستند که گویندگان، چنان‌چه متنی را در موقعیت ملموس در ارتباطی معنادار به کار برند، مفروض تلقی می‌کنند. برای توضیح بیشتر می‌توان موقعیتی را در نظر گرفت که در آن سارا در آشپزخانه با دوستش سیمما که در اطاق نشیمن نشسته و از در باز آشپزخانه مشغول گفت‌وگو است. در حین این گفت‌وگو سارا می‌گوید: من در آشپزخانه را می‌بندم، شیر سررفته است. آن‌چه باعث فهم منظور گفتار و رفتار سارا برای دوستش می‌شود موقعیت ملموس بر اساس تجربیات مشترک آن‌هاست (شیر سوخته بو می‌دهد و برای جلوگیری از انتشار این بو باید در آشپزخانه را ببندیم).

در پیش‌انگاری بافتی گوینده امکان می‌یابد تا پاره‌گفتاری معین و اعمال و واقعیت‌های خاصی را ادعا یا مفروض تلقی کند. این اعمال و واقعیت‌ها به نوبه خود صریحاً قابل بحث نیستند یا از طریق عباراتی که برای بیان آن‌ها به کار رفته دارای معنای صریح نمی‌باشند. این پیش‌انگاری‌ها خود به دو دسته پیش‌انگاری‌های ارجاعی و معناشناسی تقسیم می‌شوند: پیش‌انگاری‌های ارجاعی تابع شکل عبارت زبانی هستند و محمل آن‌ها جمله است. ضمیمه کردن وجه وصفی معرفه، برای مثال اسم خاص و کاربرد تعیین‌کننده (حروف تعریف) معین یا هر یک از این دو موجب این پیش‌انگاری‌ها می‌شوند: در مثال؛ "پادشاه فرانسه طاس است" فردی که این جمله را بر اساس هنجار بیان می‌کند پیش‌انگاری آن را به پدیده "در کشور فرانسه پادشاه حاکم است" ارجاع می‌دهد. در پیش‌انگاری معناشناسی، اگر زمینه از جملات یا قضیه‌ها تشکیل شود، با مفهوم پیش‌انگاری معناشناسی مواجه

هستیم. منظور از پیش‌انگاری معناشناسی نوعی معناست که مستقیماً مورد خطاب واقع نمی‌شود، بلکه تنها منظور عبارت مورد نظر را تداعی می‌کند. در جملهٔ سامان موفق شد بلیط‌های کنسرت شجریان را تهیه کند، معنای موفق شد شامل معنای تلاش کردن نیز است» (البرزی، ۱۳۸۶: ۳۷-۳۴).

صفوی در تعریف انواع پیش‌انگاری‌ها با یادآوری این نکته که در مطالعات معناشناسی به انواع پیش‌انگاری‌ها اشاره‌ای نشده است، انواع پیش‌انگاری و تعریف آن را بر اساس آنچه منطق‌دانان بیان کرده‌اند با ذکر مثال‌هایی آورده است:

ث. ۲. ۱) پیش‌انگاری وجودی (Existential Presupposition)

- "دوچرخه نادر دنده‌ای است" << ' نادر دوچرخه دارد.
همان‌گونه که در نمونهٔ فوق مشاهده می‌شود، ویژگی "دنده‌ای بودن" به چیزی مانند "دوچرخه" نسبت داده شده و سبب می‌شود تا وجود آن چیز از پیش‌انگاشته شود.

ث. ۲. ۲) پیش‌انگاری وقوعی (Factive Presupposition)

- "خیلی عجیب است که نادر رانندگی می‌کند" << نادر رانندگی می‌کند.
در پیش‌انگاری وقوعی، وقوع مطلبی مانند «رانندگی کردن نادر مورد اشاره قرار می‌گیرد و به همین دلیل چنین مطلبی از پیش‌انگاشته می‌شود.

ث. ۲. ۳) پیش‌انگاری مقوله‌ای (Categorical Presupposition)

- "برادر کوچک نادر کتاب می‌خواند" << برادر کوچک نادر سواد دارد.
پیش‌انگاری مقوله‌ای همان است که در معناشناسی استلزام معنایی نامیده می‌شود؛ زیرا "کتاب خواندن" مستلزم "سواد داشتن" است (صفوی، ۱۳۸۰: ۱۲۴-۱۲۳) یول در بیان انواع پیش‌انگاشت‌ها و تعاریف آن‌ها تقسیم‌بندی زیر را ارائه کرده است:

ث. ۲. ۴) پیش‌انگاشت‌های وجودی

فرض بر این است که پیش‌انگاشت‌های وجودی در ساختار ملکی و به‌طور کلی در هر عبارت اسمی معرفه حضور دارند. فرض بر این است که گوینده با به‌کارگیری هر یک از گروه‌های اسمی بر موجودیت‌های ذکر شده تأکید می‌کند. مانند: "ماشین شما". << شما ماشین دارید.

ث. ۲. ۵) پیش‌انگاشت‌های واقعیت‌پذیر

شماری از افعال نظیر دانستن، فهمیدن، متأسف بودن، عجیب بودن و... دارای پیش‌انگاشت واقعیت‌پذیر هستند. مانند: "نفهمیدم که او بیمار است" << او بیمار بود.

ث. ۲. ۶) پیش‌انگاشت‌های واژگانی

معمولاً در پیش‌انگاشت واژگانی تعریف متعارف یک صورت (واژه) بر اساس معانی بیان‌شده (لفظ) و معانی بیان‌نشده (پیش‌انگاشت) آن صورت می‌پذیرد. مثلاً هر بار که بگویید کسی از "عهده‌کاری برآمد" معنی بیان‌شده آن این است که آن شخص به نحوی موفق به انجام کار شده است و هنگامی که می‌گویید کسی "از عهده برنیامد" معنی بیان‌شده این است که آن شخص موفق به انجام آن کار نشده است. اما در هر دو مورد یک پیش‌انگاشت مشترک [یا معنی بیان‌نشده] وجود دارد و آن این است که آن "شخص در انجام آن کار کوشید".

ث. ۲. ۷) پیش‌انگاشت‌های ساختاری

در این نوع پیش‌انگاشت‌ها، تحلیل ساختارهای جمله بر این اساس صورت می‌گیرد که این نوع ساختارها در قالبی متعارف و منظم صحت پاره‌ای از ساختار خود را از قبل مفروض می‌دانند. شاید بتوان گفت که گویندگان، چنین ساختارهایی را از این‌رو به کار می‌گیرند که اطلاعات مورد نظرشان را از پیش فرض‌شده تصور کنند و بدین ترتیب شنونده آن را به مثابه امری صحیح بپذیرد مانند: "دوچرخه را از کجا خریدی" << شما دوچرخه را خریدی.

ث. ۲. ۸) پیش‌انگاشت‌های واقعیت‌ناپذیر

پیش‌انگاشتی که نادرست بودن آن مفروض است مانند:
"خواب دیدم که ثروت‌مند بودم" << ثروت‌مند نبودم.

ث. ۲. ۹) پیش‌انگاشت‌های خلاف واقع

پیش‌انگاشت‌هایی که مغایر با واقعیت باشند بیشتر در ساختارهای شرطی نظیر مثال زیر دیده می‌شوند:

"اگر دوستم بودی به من کمک کرده بودی" << دوستم نبود (یول، ۱۳۹۱: ۴۶-۴۳).

در این پژوهش انواع پیش‌انگاشت‌ها بر اساس تعریف یول بررسی شده است که بر این اساس نمونه‌هایی از انواع پیش‌انگاشت‌های به‌کار رفته در عبارات فعلی کلیله و دمنه در زیر ذکر می‌شود:

مثال ۱: در باب بوزینه و باخه، در توصیف حال جفت باخه از طولانی شدن غیبت او از خانه چنین آمده:

«چون غیبت باخه از خانه دراز شد، جفت او در اضطراب آمد» (نصرالله منشی، ۱۳۸۰: ۲۴۲) واقعیت مفروض در این عبارت با توجه به ساختار ملکی به کار رفته در آن (جفت او) پیش‌انگاشت وجودی (باخه جفت دارد) است.

مثال ۲: در بخشی از باب پادشاه و برهمنان، بلار وزیر ضمن بیان نصایح به پادشاه چنین می‌گوید:

«و بدست بندگان همین است که در تفریر نصایح اطناب لازم شمرند، مگر بعضی از حقوق اولیای نعم به ادا رسد» (همان: ۳۷۹) با توجه به ساختار ملکی به کار رفته در عبارت فوق، (حقوق اولیای نعم) پیش‌انگاشت و واقعیت مفروض در این عبارت نیز پیش‌انگاشت وجودی در نظر گرفته می‌شود.

مثال ۳: در باب شیر و شغال در نصایح شغال به دوستانش در مذمت دنیا و پرهیز از آزار دیگران و ترجیح آخرت بر دنیا چنین آمده:

«اگر سعادت دو جهان می‌خواهید، این سخن در گوش گذارید و از برای طعمه خویشت که حلاوت آن تا حلق است ابطال جانوری روا مدارید و به آنچه بی‌ایذا بدست آید قانع باشید» (همان: ۳۱۰) در عبارت فوق پیش‌فرض مورد نظر نویسنده پیش‌انگاشت واقعیت‌پذیر است زیرا در آن به وقوع مطلبی (امکان طعمه بی‌ایذا به دست آمدن) اشاره شده.

مثال ۴: در باب برزویه طیب، برزویه در تقبیح تمایل به نعمت‌های جهانی با تشبیه آن‌ها به شهد مسموم چنین می‌گوید:

«چون خمره پر شهد مسمومست که چشیدن آن کام را خوش آید؛ لکن عاقبت به هلاک کشد» (همان: ۵۳) پیش‌انگاشت مورد استفاده در عبارت فوق واژگانی است زیرا علاوه بر معنای حاصل از صورت واژه به کار گرفته شده (به هلاک کشیدن) معنای بیان‌نشده دیگری نیز به مخاطب منتقل می‌شود که در این‌جا خطرناک بودن تمایل به نفسانیات و نعمت‌های این جهانی و لزوم پرهیز از آن، معنای بیان‌نشده مفروض است.

مثال ۵: در باب برزویه طیب، در حکایت دزدان که در غفلت و نادانی فریب صاحب‌خانه را خوردند و حیل و تمهید صاحب‌خانه برای به دام انداختن دزدان: «... قوم

را آهسته بیدار کرد، حال معلوم گردانید، آن گاه فرمود که من خود را در خواب سازم و تو چنان‌که ایشان آواز تو می‌شنوند با من در سخن گفتن در آی و پس از من پیرس، بالحاح هر چه تمام‌تر که این چندین مال از کجا بدست آوردی؟» (همان: ۴۹) مالدار بودن صاحب خانه (کسب این چندین مال) پیش‌فرض مورد نظر نویسنده است که با توجه به کاربرد آن در ساختار پرسشی و تأکید آن در این ساختار، پیش‌انگاشت مفروض ساختاری است.

مثال ۶: در باب برزویه طیب، در بیان داستان دزدان و صاحب‌خانه چنین آمده: «دزدان بشنوندند و از آموختن آن افسون، شادی‌ها نمودند، ساعتی توقف کردند، چون ظن افتاد که اهل خانه در خواب شدند، مقدم دزدان هفت بار گفت شولم و پای در روزن کرد» (همان: ۴۹) پیش‌فرضی که از این عبارت برداشت می‌شود این است که اهل خانه در خواب نشده بودند. یعنی پیش‌انگاشت واقعیت‌ناپذیر که نادرست بودن آن مفروض است استفاده از واژه ظن افتاد، که معادل گمان کردن، خواب دیدن و... است در عبارت فوق مؤید این مطلب است.

مثال ۷: در باب شیر و گاو، در حکایت فرعی زاهد و دزدی که جامه او را دزدید و ماجراهایی که زاهد در تعقیب دزد با آن‌ها روبرو می‌شود و در نهایت در محکمه قاضی با استناد به تمام آن‌چه اتفاق افتاده و او دیده بود همه را نتیجه اعمال افراد مبتلا عنوان می‌کند و درباره ماجرای زن بدکار می‌گوید: «و اگر زن بدکار قصد جوان غافل نکردی جان شیرین به باد ندادی» (همان: ۱۷۹) پیش‌انگاشت مد نظر نویسنده در این عبارت با توجه به ساختار شرطی به کار رفته در آن، پیش‌انگاشت خلاف واقع است و مخاطب با توجه به آن درمی‌یابد که، زن بدکار قصد جوان غافل کرده بود و جان شیرینش را به باد داد.

ث. ۳) استلزام (Entailment)

هنگامی که تحقق مفهوم یک جمله مستلزم تحقق مفهوم جمله دیگر باشد، یا به عبارت دیگر یک مفهوم اعم و دربردارنده مفهوم دیگر باشد، با مفهوم استلزام معنایی مواجهیم. بر این اساس می‌توان شمول معنایی را که یکی از مباحث مطرح در معناشناسی است نیز نوعی استلزام معنایی به حساب آورد.

«شمول معنایی (hyponymy): زمانی اتفاق می‌افتد که دامنه مفهوم یکی از عبارات، دامنه مفهوم عبارتی دیگر یا سایر عبارات را دربرمی‌گیرد. معنای واژه "پستاندار" برای مثال شامل معنای واژه‌های "گاو" و "اسب" نیز می‌شود. در این صورت، واژه‌های "گاو" و "اسب" را هم‌شمول می‌نامند. شمول معنایی شامل رابطه منطقی استلزام می‌شود. در این

رابطه صحت یک پاره‌گفتار مستلزم صحت پاره‌گفتار دیگری است. به عبارتی دیگر، واقعیت یک پاره‌گفتار مستلزم واقعیت پاره‌گفتار دیگری است. برای مثال پاره‌گفتار "این یک گنجشک است" مستلزم پاره‌گفتار "این پرنده است" در نظر گرفته می‌شود. هرگاه بین پاره‌گفتارها رابطه شمول معنایی وجود داشته باشد، آن رابطه را استلزام گویند» (البرزی، ۱۳۸۶: ۴۰-۳۹).

معمولاً "استلزام معنایی" را رابطه معنایی میان جملاتی معرفی می‌کنند که مفهوم یکی مستلزم دیگری است. به بیان ساده‌تر، جمله "الف" مستلزم تأیید جمله "ب" است. از نظر یول: «استلزام نتیجه منطقی موضوعی است که در پاره‌گفت اظهار می‌شود؛ بنابراین استلزام متعلق به جمله است نه گوینده. اما پیش‌انگاشت موضوعی است که گوینده فرض می‌کند پیش از ادای پاره‌گفت حقیقت دارد. بر این اساس این گوینده است که پیش‌انگاشت دارد نه جمله» (یول، ۱۳۹۱: ۴۱).

مثال: در دیباچه مترجم در بیان کلیله و دمنه را منظوم ساختن به همت رودکی چنین آمده است: «چون ملک خراسان به امیر سدید ابوالحسن نصر بن احمد السامانی - تغمده الله برحمه - رسید رودکی شاعر را مثال داد تا آن را در نظم آرد که میل طبع‌ها به سخن منظوم بیش باشد (نصرالله منشی، ۱۳۸۰: ۲۳). در عبارت فوق وجود ابوالحسن نصر بن احمد سامانی، رودکی و کلیله و دمنه پیش‌انگاشت‌های مفروض (ارجاعی - وجودی) هستند و فرمان نصر بن احمد سامانی و منظوم شدن کلیله و دمنه توسط رودکی استلزام و نتیجه منطقی دریافت‌شده از موضوع هستند.

ث. ۴) کنش‌های گفتاری (Speech Act)

نظریه کنش گفتاری به همت دو فیلسوف بزرگ، آستین و سرل، سامان گرفت. مبنای این نظریه این است که منظور اصلی زبان آدمی انجام کار است. یعنی زبان برای انجام دادن نقش‌هایی به وجود آمده است. «افراد برای بیان منظور خویش تنها پاره‌گفت‌هایی حاوی کلمات و ساختارهای دستوری تولید نمی‌کنند، بلکه از رهگذر آن پاره‌گفت‌ها، اعمالی را نیز انجام می‌دهند. اعمالی را که پاره‌گفت‌ها انجام می‌دهند، عموماً کنش‌های گفتاری می‌نامند» (یول، ۱۳۹۱: ۶۶) «آنچه آستین تحت عنوان کارگفت‌ها مطرح ساخت، در اصل واکنشی مخالف نسبت به سه اصل بود که معمولاً در میان معنی‌شناسان زبانی و معنی‌شناسان منطقی مبنای نگرش نسبت به معنی قرار می‌گرفت. این سه اصل عبارت‌اند از: نخست این‌که جملات خبری گونه اصلی جملات زبانه‌اند. دوم این‌که کاربرد اصلی زبان

اطلاع دادن از طریق جملات است. سوم این‌که صدق یا کذب معنی پاره‌گفتارها را می‌توان تعیین کرد. این سه اصل در زمان آستین مبنای نگرش فیلسوفان حلقهٔ وین به حساب می‌آمد که "منطقیون اثبات‌گرا" (Positivist logical) نامیده می‌شوند. مخالفت آستین با آرای این دسته از منطقیون بر این پایه استوار بود که زبان تنها برای اطلاع دادن به کار نمی‌رود و ارزش صدق و کذب بسیاری از جملات زبان قابل تعیین نیست» (صفوی، ۱۳۹۰: ۶۶) سِرل (Searl) (سرل، ۱۹۶۹: ۲۲)، این نظریه را بسط و گسترش داده و معتقد است وقتی گفته‌ای بیان می‌شود هم‌زمان چهار کنش صورت می‌پذیرد که عبارتند از کنش بیانی، کنش گزاره‌ای، کنش منظوری و کنش تأثیرپذیری. وی کنش‌های گفتاری را به شرح زیر تقسیم‌بندی کرده است:

ث. ۴. ۱) کارگفت‌های اظهاری: در این نوع کارگفت‌ها، گوینده از زبان برای بیان دانسته‌ها و اندیشه‌ها و باورهای خود استفاده می‌کند و زبان وظیفهٔ اطلاع‌رسانی را برعهده دارد. کارگفت‌های اظهاری تعهد گوینده را نسبت به صدق گزارهٔ مطرح‌شده نشان می‌دهد و بر این اساس می‌توان پاره‌گفتارهای اظهاری را تصدیق یا تکذیب کرد. کارگفت‌های اظهاری خود نیز در پنج طبقه زیر قرار می‌گیرند:

ث. ۴. ۱. ۱) تأکید بر نمود: مثلاً بازگو کردن، پیش‌بینی کردن. برای نمونه: بازگو کردن سخنان اردشیر بابک: «ملک بی‌مرد مضبوط نماند، و مرد بی‌مال قائم نگردد و مال بی‌عمارت به دست نیاید» (نصرالله منشی، ۱۳۸۱: ۷).

ث. ۴. ۱. ۲) تأکید بر ماهیت کلام: مثلاً حکایت کردن، روایت کردن. در کلیله و دمنه در این زمینه می‌توان به حکایت‌های فرعی که در ضمن حکایات اصلی برای تأکید بر آنچه مورد نظر راوی است آورده شده، اشاره کرد. نمونه‌هایی نظیر حکایت دزدان و صاحب‌خانه در باب برزویه طبیب:

«دزد گفت من آن غافل نادانم که دم گرم تو مرا بر باد نشانده» (همان: ۵۰).

حکایت سرگذشت عجایبی که یکی از افراد حاضر در نزد شاهزاده از جمله مرغانی که او را از گنج زیرزمین خبر می‌دهند، در باب شاهزاده و یاران:
«من زمین بشکافتم و گنج در ضبط آوردم» (همان: ۴۱۶).

ث. ۴. ۱. ۳) تأکید بر اطلاعات: آگاهی دادن، توضیح دادن، اظهار داشتن. برای نمونه در کلیله و دمنه: نویسنده در ضمن ذکر و بیان فتوحات بهرام شاه چنین آورده:

«نظام کارهای حضرت و ناصیت بقرار معهود و رسم مألوف باز رفت و بر قاعدهٔ درست و سنن راست اطراد و استمرار یافت و تمامی مفسدان اطراف دم درکشیدند و سر به

خط آوردند» (همان: ۱۰).

ث. ۴. ۱. ۴) تأکید بر ارزش صدق: مثلاً ادعا کردن، استناد کردن، تأکید کردن، تصریح کردن. برای نمونه در باب دوستی کبوتر و زاغ و موش و باخه و آهو، زاغ پس از آن‌که اظهار دوستی و ملاطفت باخه با موش را می‌بیند، ضمن قدردانی از باخه خطاب به او مواردی در باب رعایت حق دوستی و رعایت جانب دوستان ذکر می‌کند و در اثنای آن می‌گوید:

«و عاقل همیشه در کسب شرف کوشد و ذکر نیکو باقی گذارد، و اگر در آن خطری باید کرد و مثلاً سر در باخت پهلوی تهی نکند» (همان: ۱۱۳) (تأیید و تأکید کردن)

ث. ۴. ۱. ۵) تأکید بر میزان پای‌بندی گوینده: مثلاً تأیید کردن، تصدیق کردن، تکذیب کردن، حدس زدن، گواهی دادن، صحه گذاشتن. برای نمونه در باب دوستی کبوتر و زاغ و موش و باخه و آهو، در حکایت شرح زندگی موش از زبان خودش، ورود مهمان بر زاهد و تدبیر او بر گشودن سوراخ موش با قیاس در داستان زنی که کنجد بخته کرده بکنجد با پوست بی‌دلیل نمی‌فروخت، چنین آمده:

«(میهمان) و مرا همین به دل می‌آید که این موش چندین قوت تواند کرد» (همان: ۱۱۳) در این عبارت (به دل آمدن) میهمان حدس و گمان خودش را بیان می‌کند.

ث. ۴. ۲) کارگفت‌های ترغیبی: این نوع از کارگفت‌ها در پی ترغیب مخاطب برای انجام کاری هستند، که در سه دسته قرار می‌گیرند:

ث. ۴. ۲. ۱) پیش‌نهاده‌ها: این نوع از کارگفت‌ها به مثبت و منفی تقسیم می‌شوند. کارگفت پیش‌نهادهی مثبت شامل: اندرز دادن، پند دادن، پیش‌نهاد کردن، توصیه کردن، سفارش کردن، فرا خواندن، نصیحت کردن و کارگفت پیش‌نهادهی منفی شامل: اخطار دادن، برحذر داشتن و هشدار دادن، می‌شود.

برای نمونه: در دیباچه مترجم پیش‌نهاد و درخواست حاضرین در دربار منصور خلیفه عباسی برای تصرف ضیاع بجا مانده از یکی از نزدیکان این‌گونه بیان شده:

«روزی او را گفتند: فلان مقدم فرمان یافت و از او ضیاع بسیار مانده است و فرزندان او بدرجه استقلال نرسیده‌اند اگر مثال باشد تا عمل بعضی در تصرف گیرند و در قبض آرند» (همان: ۲۳). عبارت در تصرف گرفتن و در قبض آوردن به عنوان پیش‌نهاد و درخواست مطرح می‌شود.

هم‌چنین از نوع پیش‌نهاد منفی (هشدار و اخطار) توصیه دمنه به شیر برای تدبیر دفع خطر شنبه و گوشزد کردن خطر آن است:

«و من می‌دانم که بتعجیل تدبیر کار کرده آید پیش از آن‌که از دست بشود و به جایی برسد که در تدارک آن قدم نتوان گذارد» (همان: ۹۰).

ث. ۴. ۲. ۲) دستورها: امر کردن، دستور دادن، نهی کردن، منع کردن. مثال: در باب بوف و زاغ در حکایت فرعی هجوم پیلان به مُلک خرگوشان و دستور مُلک خرگوشان به پیروز (خرگوشی که داوطلب انجام مأموریت رفع خطر پیلان شده) برای انجام مأموریت، چنین است:

«به مبارکی بیاید رفت و آن‌چه فراخور حال و مصلحت وقت باشد بجای آورد» (همان: ۲۰۳). کارگفت مد نظر در عبارت فعلی بجای آوردن از نوع ترغیبی در قالب دستور دادن و امر کردن است.

ث. ۴. ۲. ۳) درخواست‌ها: استدعا کردن، التماس کردن، تقاضا کردن، خواستن، خواهش کردن، طلب کردن (طلبیدن)، قسم دادن. مثال: در باب گربه و موش، موش با بیان شرایط و این‌که نجات او از دشمنان غالب در گرو حمایت گربه از اوست و در عوض او نیز به جبران این کمک، گربه را از دام صیاد نجات خواهد داد، خطاب به گربه می‌گوید:

«اکنون مرا ایمن گردان و تأکیدی بجای آر تا به تو پیوندم و غرض من بحصول رسد و بندهای تو همه ببرم و فرج یابی» (همان: ۲۷۰)

ث. ۴. ۳) کارگفت‌های عاطفی: این کارگفت‌ها به دو بخش عمده تقسیم می‌شوند: سنجشی مثبت و منفی.

ث. ۴. ۳. ۱) سنجشی مثبت: آفرین گفتن، افتخار کردن، پسندیدن، تبریک گفتن، تحسین کردن، تشویق کردن، تصدیق کردن، تعریف و تمجید کردن، سپاس‌گزار بودن، ستایش کردن. مثال: در پایان باب گربه و موش، نویسنده با اظهار تعجب از زیرکی موش و رعایت جانب حزم و احتیاط او چنین آورده:

«سبحان الله، موشی با ضعف و عجز خویش چون آفات بدو محیط گشت و دشمنان غالب گرد او درآمدند دل از جای نبرد» (همان: ۲۸۱).

ث. ۴. ۳. ۲) سنجشی منفی: ایراد گرفتن، خرده گرفتن، سرزنش کردن، شکایت کردن، گله داشتن، مخالف بودن، مسئول دانستن، مقصر دانستن، ملامت کردن، مؤاخذه کردن، نفرین کردن، نکوهش کردن. برای نمونه:

«چون مادر شیر ماجرا را بخواند و بر مضمون آن واقف گشت، در اضطراب آمد» (همان: ۱۵۰).

عبارت فعلی در اضطراب آمدن با توجه به بافت و موقعیت بیان‌گر نگرانی و مخالف بودن مادر شیر با مضمون مطرح (تصمیم و حکم شیر) است.

ث. ۴. ۴) کارگفت‌های تعهدی: دسته‌ای از کنش‌های گفتاری هستند که گوینده با به‌کارگیری آن‌ها مخاطب را ملزم به انجام کاری می‌کند. افعال کاربردی در کارگفت‌های تعهدی به سه دسته تقسیم می‌شوند:

ث. ۴. ۴) پاسخ به کارگفت‌های ترغیبی

ث. ۴. ۴. ۱) کارگفت ترغیبی مثبت: پذیرفتن، تعهد کردن، قبول کردن، موافق بودن. برای نمونه در باب دوستی کبوتر و زاغ و موش و باخه و آهو، موش در پاسخ به درخواست دوستی زاغ می‌گوید: «موالات و مؤاخات ترا به جان خریدارم» (همان: ۱۶۶) استفاده از عبارت فوق بیان‌گر پذیرش درخواست زاغ از سوی موش است.

ث. ۴. ۴. ۱) کارگفت ترغیبی منفی: امتناع کردن، پرهیز کردن، سر باز زدن، سرپیچی کردن. مثال: در باب پادشاه و فنزه: فنزه در عذر خواستن از پذیرش درخواست پادشاه با ذکر موارد و دلایل، خود را ناتوان‌تر از این می‌بیند که بتواند با وجود گناهکاری در نزد پادشاه به سلامت باقی بماند و می‌گوید:

«من از آن ضعیف‌تر و عاجزترم که از این ابواب چیزی بر خاطر یارم گذرانید» (همان: ۲۹۶) فنزه با اظهار عجز، از پذیرش درخواست پادشاه امتناع می‌کند.

ث. ۴. ۴. ۲) کارگفت‌های تعهدی خودخواسته: به عهده گرفتن، تقبل کردن، تضمین کردن، داوطلب شدن، وعده دادن. مثال: در باب دوستی کبوتر و زاغ و موش و باخه و آهو؛ زاغ پس از مشاهده حال به دام افتادن کبوتران و نجات آن‌ها به وسیله موش تصمیم به دوستی با موش می‌گیرد و نزد موش رفته و پس از بیان آنچه دیده بود در وفاداری موش در عهد دوستی با مطوقه و یارانش چنین می‌گوید:

«چون مرا کمال فتوت و وفور مروت تو معلوم گشت... همت بر دوستی تو مقصور گردانیدم و آمدم تا شرط افتتاح اندر آن بجای آرم» (همان: ۱۶۲) زاغ داوطلب افتتاح دوستی با موش می‌شود.

ث. ۴. ۴. ۳) کارگفت‌های تعهدی تأکیدی: پیمان بستن، سوگند خوردن، عهد بستن، قسم خوردن، قول دادن، میثاق بستن. مثال: در باب گربه و موش، موش بندهای گربه را می‌برد و یکی را به جهت رعایت احتیاط نگاه می‌دارد و بعد از آن‌که موش صیاد را از دور می‌بیند، می‌گوید:

«وقت آن است که باقی ضمان خود به ادا رسانم و آن عقده ببرید» (همان: ۲۷۵) عبارت به ادا رساندن، بیان‌گر تعهد موش برای وفای به عهدش با گربه است.

ث. ۴. ۵) کارگفت‌های اعلامی: گوینده با به‌کارگیری این کنش از طریق کلمات موجب تغییراتی در اتفاقات دنیای خارج می‌گردد. مثلاً ابلاغ کردن، بازخواست کردن، بازجویی کردن، به عقد در آوردن، تحریم کردن، تسلیم شدن، تصویب کردن، جریمه کردن، حکم دادن، سوگند خوردن، صلح کردن، عزل کردن، لغو کردن، متهم کردن، محکوم کردن. (کنش اعلامی در عبارات‌های فعلی کلیده و دمنه کاربرد نداشته است)

قرار دادن کنش‌های گفتاری در دو طبقه مستقیم و غیر مستقیم، تقسیم‌بندی دیگری از انواع کنش‌های گفتاری است که سرل به این موضوع نیز توجه داشته است. منظور از کنش مستقیم آن است که بین ساختار جمله و کارکرد آن رابطه مستقیم وجود داشته باشد. این به این معناست که اگر ما مثلاً جمله خبری را برای بیان واقعیتی و خبری گزاره‌ای به کار ببریم کنش گفتاری آن مستقیم است اما اگر ما جمله خبری را برای درخواست یا دستور به کار ببریم کنش گفتاری آن غیر مستقیم است.

«سرل میان کاربرد مستقیم (direct) و غیرمستقیم (indirect) کارگفت‌ها نیز تمایزی قائل می‌شود. به نظر وی، گوینده می‌تواند مثلاً به جای استفاده از پاره‌گفتاری امری به عنوان یک کارگفت ترغیبی، جمله‌ای را به کار ببرد که ظاهری متفاوت دارد، ولی مخاطب، آن جمله را به منزله نوعی کارگفت ترغیبی در نظر گیرد.

- "ممکن است یک لیوان آب به من بدهی؟" (غیر مستقیم)

- "یک لیوان آب به من بده" (مستقیم)

درک کارگفت مستقیم از طریق یک کارگفت غیر مستقیم، مبتنی بر بافت موقعیتی است و از دانش درون زبانی قابل تعیین نمی‌نماید» (صفری، ۱۳۹۰: ۱۸-۱۸۱).

«کنش‌های گفتاری غیر صریح (غیرمستقیم) حالتی دانسته می‌شود که در آن فعل کنشی مستقیماً در جمله بیان نمی‌شود؛ مانند این جمله: "این ریخت‌وپاش‌ها را مرتب کنید". معنای ضمنی همان معنای مبهم و پوشیده و اضافه‌ای است که مخاطب آن را آشکار می‌کند. از نظر کاترین کربرات، هنگامی که در ارتباطات کلامی روزمره مطالبی را ادا می‌کنیم، بیان ما اغلب صریح نیست و بیشتر با بیان خویش نیت‌های پنهانی خود را به صورت غیر صریح در گزاره می‌گنجانیم. جمله‌ای مثل "این جا هوا گرم است" می‌تواند به شکل‌های گوناگون تأویل و تفسیر شود؛ به نحوی که می‌توانیم از این گزاره به ظاهر ساده و صریح چندین بیان غیر صریح و چندین معنا برداشت کنیم. جملات غیر صریحی مانند "پنجره را باز کنید" و "بخاری را خاموش کنید" بیاناتی غیر صریح‌اند که تنها در عبارتی صریح جای گرفته‌اند. طبق نظر اورکیون، امکان ایجاد بیان صریح بسیار کمتر است و اغلب

در بیان صریح جنبه‌ای غیرصریح نیز یافت می‌شود. به همین سبب مخاطب در جستجوی کشف بیانات غیرصریح (مانند پیش‌فرض‌ها، تلویحات، کنایه‌ها) برمی‌آید و می‌کوشد لایه‌های زیرین بیان صریح و هر آنچه به صورت مستتر در آن یافت می‌شود را آشکار کند» (اسداللهی تجرّق، ۱۳۸۱: ۱۸ - ۱۱).

کارکرد کنش‌های گفتاری غیر مستقیم در عبارات فعلی کلیده و دمنه به ترتیب به کنش‌های ترغیبی، عاطفی و تعهدی اختصاص داشته که در این زمینه می‌توان نمونه‌های زیر را ذکر کرد:

در باب پادشاه و برهمنان، ایراندخت، پس از شنیدن سخن پادشاه و آگاه شدن بر قصد براهمه، از پادشاه می‌خواهد تعبیر خواب را از کارایدون حکیم پیر بپرسد. گفت:

«کارایدون حکیم برجای است، هرچند اصل او به براهمه نزدیک است، اما در صدق دیانت بر ایشان راجح است و حوادث عالم بیشتر پیش چشم دارد» (نصرالله منشی، ۱۳۸۰: ۳۶۶).

کنش مستقیم در این عبارت، اظهاری با تأکید بر اطلاعات و کنش غیرمستقیم، ترغیبی (پیش‌نهاد) است.

در باب گربه و موش، در ابتدای این باب برهمن در پاسخ درخواست رای، برای بیان داستان آن‌که با وجود دشمنان انبوه از چپ و راست و پس و پیش، با تدبیر راه نجات خود را می‌یابد، با ذکر ناپایداری دوستی‌ها و دشمنی‌ها و تشبیه آن‌ها به ابر بهاری چنین می‌گوید:

«و وفاق زنان و قربت سلطان و ملاطفت دیوانه و جمال امرد همین مزاج دارد و دل در بقای آن نتوان بست» (همان: ۲۶۶). کنش مستقیم در این عبارت اظهاری با تأکید بر اطلاعات و کنش غیر مستقیم، ترغیبی (پند و اندرز) است.

در باب شیر و شغال، شغال در پاسخ به درخواست شیر برای فراموش کردن دسیسه‌های ساعیان و کردار شیر در پذیرفتن آن‌ها و بازگشتن به کار خود می‌گوید:

«بدین استماع که ملک سخن ساعیان را فرمود ملک را سهل المأخذ شمزند و هر روز تضریبی تازه رسانند و هر ساعت ریبتی نو در میان آرند» (همان: ۳۲۷).

کنش مستقیم در این عبارت اظهاری با تأکید بر اطلاعات و کنش غیرمستقیم، عاطفی (گلابه و نکوهش) است.

در باب شیر و شغال، شغال در عذر خواستن از پذیرش امر شیر برای وزارت، می‌گوید:

«که چون کاری به جبر در گردن کسی کرده شود، او را ضبط آن میسر نگردد و از عهده لوازم مناصحت به واجبی بیرون نتواند آمد» (همان: ۳۱۳).

کنش مستقیم در این عبارت، اظهاری با تأکید بر اطلاعات و کنش غیرمستقیم، تعهدی (امتناع از پذیرش درخواست شیر) است.

نتیجه

در این پژوهش با دقت در متن کلیله و دمنه و بازجست عبارات‌های فعلی و کنایی، سعی کردیم آن‌ها را بر اساس انواع کنش‌های گفتاری و پیش‌انگاری‌ها و نقش آن‌ها در ایجاد سبک فنی مورد بررسی قرار دهیم تا با تطبیق آن با آراء جدید مطرح در زبان‌شناسی نگاهی تازه از متنی کلاسیک به دست دهیم. به این منظور پس از استخراج همه عبارات فعلی و کنایی در کلیله و دمنه، آن‌ها را از منظر کاربردشناسی زبان با تکیه بر انواع کنش‌های گفتاری و پیش‌انگاشت‌ها و استلزام‌های به‌کاررفته در آن و با توجه به معادل‌های معنایی هر یک از عبارات در موقعیت‌های مختلف گفتاری مورد بررسی قرار دادیم. مجموع عبارات فعلی که مورد بررسی قرار گرفته سیصد و هفتاد و چهار مورد با احتساب موارد تکرار آن‌ها در کلیله و دمنه بوده است. (به دلیل تأثیرگذار بودن بافت و موقعیت گفتاری در معنای عبارات، تکرار آن‌ها نیز مد نظر بوده است) که نتایج این بررسی در قالب جداول و نمودار ارائه شده است.

با توجه به اطلاعات جدول شماره ۱، مشاهده می‌شود که کنش‌های به کار رفته در عبارات‌های فعلی کلیله و دمنه به ترتیب به کنش‌های اظهاری شصت و چهار درصد، کنش ترغیبی بیست درصد، کنش عاطفی یازده درصد، کنش تعهدی پنج درصد اختصاص داشته است. کنش اعلامی در عبارات‌های فعلی استفاده نشده است. هم‌چنین در مواردی که نویسنده به صورت غیرمستقیم منظور خود را بیان کرده کنش ترغیبی با اختصاص پنجاه مورد از مجموع هفتاد و هفت مورد به کار رفته است؛ بنابراین، بالاترین کنش غیرمستقیمی بوده که در میان این کنش‌ها به کار رفته است.

اختصاص بالاترین میزان کنش‌ها به کنش اظهاری، بیان‌گر تعهد نویسنده به انتقال معانی و مفاهیم مورد نظرش به صورت توصیف و تعریف و حکایت و روایت و اطلاعات و تأکید و تصریح مطالب است. این امر می‌تواند مؤید روایی بودن کتاب کلیله و دمنه نیز باشد.

قرار گرفتن کنش ترغیبی (در قالب پند و اندرز، توصیه، هشدار، تنبه، تحذیر) در رتبه دوم نیز جنبه تعلیمی بودن کتاب را تأیید و تأکید می‌کند. غلبه کنش‌های ترغیبی در رویکرد غیرمستقیم کنش‌ها نیز بیان‌گر تعمد و توجه نویسنده در انتقال معانی و مفاهیم به طور ضمنی و غیرصریح است که این امر هم در راستای همان نثر فنی و سوق یافتن متن به سوی ثقیل شدن و از سادگی بیرون آمدن است.

همان‌طور که از آمار جدول شماره ۱ مشخص است، نویسنده غیرمستقیم نیز کنش‌هایی را مدنظر داشته و سه کنش ترغیبی و عاطفی و تعهدی را به صورت غیرمستقیم به کار برده است که این امر ضمن دلالت بر توانایی و قدرت نویسندگی نصرالله منشی در به‌کارگیری کلمات و عبارات و گستردگی دایره واژگانی او، بیان‌گر توجه او به معانی ضمنی و غیرصریح و در نظر داشتن معانی آن سوی واژه‌ها که از مختصات سبک فنی است نیز می‌باشد. هم‌چنین با توجه به آمار، کنش‌های غیرمستقیم، در مقایسه با کنش‌های مستقیم رقم قابل توجهی را به خود اختصاص داده است.

بر اساس اطلاعات حاصل از جدول شماره ۲ مشاهده می‌شود که به ترتیب پیش‌انگاشت‌های واژگانی - معناشناسی ۷۵/۵ درصد، واقعیت‌پذیر سیزده درصد، ارجاعی - وجودی دوازده درصد و پیش‌انگاشت‌های خلاف واقع و ساختاری هر کدام یک درصد، و واقعیت‌ناپذیر با نیم درصد بیشترین تا کمترین پیش‌انگاشت‌ها بوده‌اند.

یادآوری می‌شود، در پیش‌انگاشت واژگانی - معناشناسی نوعی معنا مدنظر است که مستقیماً بیان نمی‌شود، بلکه به صورت ضمنی منظور گوینده یا نویسنده را تداعی می‌کند. غلبه پیش‌انگاشت واژگانی - معناشناسی مؤید فرضیه‌های تحقیق است که اغلب عبارات‌های فعلی کلیله و دمنه نمود لفظی یک به یک ندارند و در آن‌ها معانی ضمنی بیشتر از معانی صریح هستند و همان‌طور که در قبلاً نیز اشاره شد، این ویژگی یکی از خصوصیات نثر فنی و در راستای ثقیل شدن نثر است.

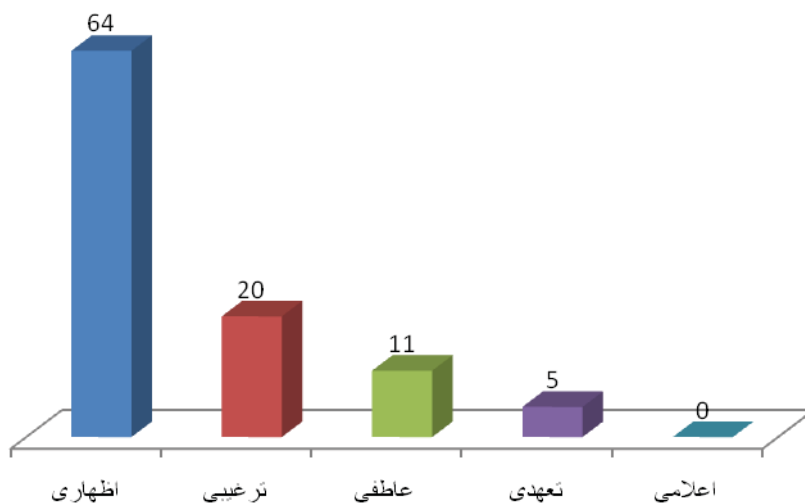
با توجه به بررسی‌های به عمل آمده و در نظر گرفتن سبکی که مدنظر نویسنده بوده می‌توان گفت که استفاده از عبارات فعلی به جای فعل ساده، جزوی از ویژگی‌های سبکی است که در آثار نویسندگان نثر فنی معمول بوده است و نصرالله منشی با استفاده از این عبارات فعلی که اکثراً مفهومی ضمنی دربردارند خواسته خود را از نثر مرسل که مبتنی بر ساده‌نویسی بوده برهاند و بر سبک فنی تمرکز کند.

جدول شماره ۱: توزیع فراوانی عبارت‌های فعلی کلیله و دمنه بر اساس نوع کنش‌های گفتاری

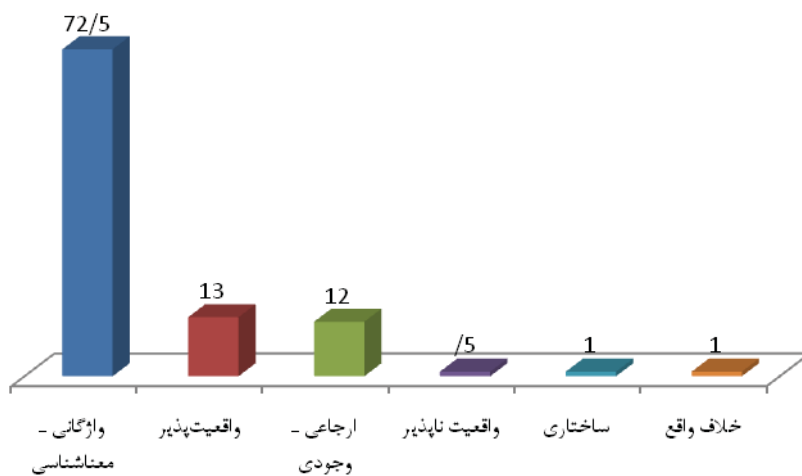
ردیف مورد	کنش‌های غیر مستقیم			تکرار	اعلامی	تهدیدی	عاطفی	ترغیبی	اظهاری	کنش‌های گفتاری مستقیم تعداد تکرار
	تهدیدی	عاطفی	ترغیبی							
۱۸ مورد	-	۱	۳	۱۸	-	-	۴	۱	۱۳	عباراتی که ۱ بار به کار رفته‌اند
۱۲ مورد	-	۱	۲	۲۴	-	۱	۵	۲	۱۶	عباراتی که ۲ بار به کار رفته‌اند
۵ مورد	۱	-	۲	۱۵	-	-	۱	۶	۸	عباراتی که ۳ بار به کار رفته‌اند
۵ مورد	-	۱	۱	۲۰	-	۴	۲	۶	۸	عباراتی که ۴ بار به کار رفته‌اند
۲ مورد	-	-	۲	۱۰	-	-	۱	-	۹	عباراتی که ۵ بار به کار رفته‌اند
۳ مورد	-	-	۲	۱۸	-	-	۱	۳	۱۴	عباراتی که ۶ بار به کار رفته‌اند
۵ مورد	-	-	۵	۳۵	-	۲	۲	۱۰	۲۱	عباراتی که ۷ بار به کار رفته‌اند
۱ مورد	-	-	۱	۸	-	-	۱	۳	۴	عباراتی که ۸ بار به کار رفته‌اند
۳ مورد	۲	-	۴	۲۷	-	-	۴	۳	۲۰	عباراتی که ۹ بار به کار رفته‌اند
۱ مورد	-	-	۲	۱۰	-	-	۱	۳	۶	عباراتی که ۱۰ بار به کار رفته‌اند
۲ مورد	۱	-	۱	۲۲	-	۴	۴	۳	۱۱	عباراتی که ۱۱ بار به کار رفته‌اند
۱ مورد	۱	۱	۳	۱۴	-	-	-	۵	۹	عباراتی که ۱۴ بار به کار رفته‌اند
۱ مورد	۳	۶	۲	۲۰	-	-	-	۵	۱۵	عباراتی که ۲۰ بار به کار رفته‌اند
۱ مورد	۲	۱	۶	۲۲	-	-	۳	۳	۱۶	عباراتی که ۲۲ بار به کار رفته‌اند
۱ مورد	۱	-	۵	۳۴	-	-	۳	۱۴	۱۷	عباراتی که ۳۴ بار به کار رفته‌اند
۱ مورد	-	۱	۴	۴۲	-	۵	۴	۹	۲۴	عباراتی که ۴۲ بار به کار رفته‌اند
۳۵ مورد	۱	۳	۵	۳۵	-	۱	۴	۳	۲۷	عبارات کنایی و ضرب‌المثلی
جمع کنش‌های غیر مستقیم ۷۷	۱۲	۱۵	۵۰	۳۷۴	-	۱۷	۴۰	۷۹	۲۳۸	جمع
۱۰۰	۱۶	۱۹	۶۵	۱۰۰	-	۵	۱۱	۲۰	۶۴	درصد

جدول شماره ۲: توزیع فراوانی انواع پیش‌انگاشت‌ها در عبارات‌های فعلی کلیله و دمنه

پیش‌انگاشت	تعداد	درصد	توضیحات
ارجاعی - وجودی	۴۷	۱۲	برخی از عبارات‌های فعلی بیش از یک پیش‌انگاشت داشته به همین سبب تعداد پیش‌انگاشت‌ها بیش از تعداد عبارات‌های فعلی به کار رفته در کلیله و دمنه (۳۷۴) است.
واقعیت‌پذیر	۵۱	۱۳	
واقعیت‌ناپذیر	۲	۰/۵	
واژگانی - معناشناسی	۲۹۱	۷۲/۵	
ساختاری	۵	۱	
خلاف واقع	۵	۱	
جمع	۴۰۱	۱۰۰	



نمودار شماره ۱: توزیع درصدی انواع کنش‌های گفتاری در عبارات‌های فعلی کلیله و دمنه



نمودار شماره ۲: توزیع درصدی انواع پیش‌انگاشت‌ها در عبارات‌های فعلی کلیده و دمنه

پی‌نوشت

۱. این علامت (<<) برای اشاره به پیش‌فرض حاصل از عبارت در نظر گرفته شده.

منابع

الف) کتاب‌ها

۱. اسداللهی، الله‌شکر. (۱۳۸۸). معناشناسی از دیدگاه کاترین کربران و اوریکونی. تهران: علمی فرهنگی.
۲. ابوالقاسمی، محسن. (۱۳۸۵). دستور تاریخی زبان فارسی. تهران: سمت.
۳. ارزنگ، غلام‌رضا. (۱۳۷۴). دستور زبان فارسی. تهران: امروز.
۴. البرزی، پرویز. (۱۳۸۶). مبانی زبان‌شناسی متن. تهران: امیرکبیر.
۵. انوری، حسن و احمد گیوی. (۱۳۷۹). دستور زبان فارسی ۲. تهران: فاطمی.
۶. باطنی، محمدرضا. (۱۳۶۴). توصیف ساختمان دستوری زبان فارسی. تهران: امیرکبیر.
۷. خیام‌پور، عبدالرسول. (۱۳۷۵). دستور زبان فارسی. تهران: کتاب‌فروشی تهران.
۸. صفوی، کورش. (۱۳۹۰). درآمدی بر معنی‌شناسی. تهران: سوره مهر.
۹. فتوحی، محمود. (۱۳۹۱). سبک‌شناسی. نظریه‌ها. رویکردها و روش‌ها. تهران: سخن.
۱۰. نائل خانلری، پرویز. (۱۳۷۲). دستور تاریخی زبان فارسی. به همت عفت مستشارنیا. تهران: طوس.
۱۱. نصرالله منشی، ابوالمعالی. (۱۳۸۰). کلیله و دمنه. به تصحیح مجتبی مینوی طهرانی. ج ۲۰. تهران: دانشگاه تهران.
۱۲. وحیدیان کامیار، تقی؛ با همکاری غلام‌رضا عمرانی. (۱۳۸۹). دستور زبان فارسی (۱). تهران: سمت.
۱۳. یول، جرج. (۱۳۹۱). کاربردشناسی زبان. ترجمه محمد عموزاده و ایرج توان‌گری. تهران: سمت.

ب) مقاله‌ها

۱۴. صفوی، کورش. (زمستان ۱۳۸۰). "پیش‌انگاری از دو چشم‌انداز". در مجله نامه مفید.
۱۵. طبیب‌زاده، امید. (۱۳۸۰). "عبارت‌های فعلی ضمیردار در زبان فارسی". در نامه فرهنگستان. دوره ۵. ش ۲.
۱۶. مهرآوران، محمود. (۱۳۸۸). "بررسی عبارت فعلی در دستور زبان فارسی". در متون ادبی. (علمی و پژوهشی) دانشگاه اصفهان.
۱۷. وفایی، عباسعلی؛ رقیه کاردلی ایلواری. (۱۳۸۹). "بررسی تحلیل ساخت عبارت فعلی در زبان فارسی". در مجله زبان و ادبیات فارسی دانشگاه علامه طباطبایی.
۱۸. یعقوبی، پارسا؛ احمدیناه، فاتح. (زمستان ۱۳۹۰). "ساختار روایی کلیله و دمنه بر اساس گفت‌مان‌کاوی تعامل رای و برهن". در مجله ادب پژوهی. ش ۱۸.

پ) پایان‌نامه‌ها

۱۹. سلیم‌زاده، مهدیه. (۱۳۹۰). "کنش کلامی و دگردیسی در ساختار روایت (کلیله و دمنه و انوار سهیلی)". پایان‌نامه کارشناسی ارشد چاپ نشده دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکزی.
۲۰. محمدی، حسین. (۱۳۹۱). "تحلیل مقایسه‌ای عوامل انسجام در گونه‌های نثر مرسل و فنی در متون کهن فارسی با تکیه بر پاره‌هایی از قابوس‌نامه، سیاست‌نامه، کلیله و دمنه و مرزبان‌نامه". پایان‌نامه دکتری تخصصی. چاپ نشده. دانشگاه تربیت مدرس.

21. Searl. John R. , Speech acts, Cambridge: Cambridge, University, Press, 1969.

22. Searl. John R. , Indirect speech acts, Cambridge,30-37, 1979.

